

## الدراسات الفقية المقارنة

سنة الثاني، رقم الرابع، الخريف والسَّنة ١٤٠١ ش

10.22034/FIQH.2023.385983.1140

# التعريف الفقهي والاضطرابات النفسية الناتجة عن استخدام المخدرات

## والمؤثرات العقلية

حاجعلی خداکرم<sup>١</sup>

سید حمید جزایری<sup>٢</sup>

[تاريخ الاستلام: ١٤٠١/١١/٠٥؛ تاريخ القبول: ١٤٠١/١٢/٢٣ هـ ش]

### المستخلص

تعتبر المخدرات والمؤثرات العقلية اليوم من مشاكل المجتمع. المخدرات بسبب تنوعها ومداهها وإدمانها وآثارها الاجتماعية الضارة قد وجدت لها خصائص في نصف القرن الماضي بشكل يمكن اعتبارها المسائل المستحدثة واختلفت لهم فروع الفقه من الحدود والعقوبات ومكاسب المحرمة والأكل والشرب بحيث يستوجب الاجتهاد لاستنباط أحكامها الشرعية. في هذا المقال، تم فحص موضوعات المخدرات والأدلة والأسس المتعلقة بالمخدرات والمؤثرات العقلية. إن السؤال الأهم في هذا البحث هو تعريف الاضطرابات النفسية الناتجة عن استخدام المؤثرات العقلية والأحكام الفقهية التي تتبعه في المذاهب الفقهية. فائدة هذا البحث وتطبيقه هو أن تقديم تعريف شامل للاضطرابات النفسية الناتجة عن استخدام المؤثرات العقلية وتبيين طبيعتها نظرًا إلى فقه المذاهب الإسلامية، يسهل تحديد حدود المسؤولية القانونية لتحديد العقوبة بناءً على درجة الاضطراب العقلي الناجم عن استخدام المؤثرات العقلية. تعتبر قضية المرضى النفسيين وسلوكهم الإجرامي من مشكلات الإجراءات القضائية. تصدر معظم المحاكم أحكامها برأي خبراء الطب النفسي. تعريف المواضيع يكون عملاً متخصصاً التي لن تصل إلى نتيجة مواتية ومفيدة دون توفير التمهيدات اللازمة، ويجب أن يكون من يدخل في هذا المجال العلمي قد حصل على الاستعدادات اللازمة حتى تكون معرفته صحيحة ومنتجها إلى اكتشاف أحكام الشريعة.

**كلمات المفتاحية:** المخدرات، المؤثرات العقلية، الاستخدام، الحرمة، الاضطرابات النفسية.

١. طالب لجامعة الأديان والمذاهب فرع قم، دكتور في جامعة آزاد الاسلامي غرب طهران، فرع مدينة قدس، قسم الحقوق والمعارف الاسلامية.

٢. دكتور في جامعة المصطفى العالمية، قسم القرآن والعلوم.

## موضوع‌شناسی فقهی و اختلالات روانی ناشی از مصرف روان‌گردان‌ها

حاجعلی خداکرم<sup>۱</sup>

سید حمید جزایری<sup>۲</sup>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳]

### چکیده

امروزه مواد مخدر و روان‌گردان‌ها یکی از معضلات جامعه محسوب می‌شوند. باید پذیرفت که روان‌گردان‌ها در نیم قرن اخیر، به علت تنوع، گستردگی، اعتیادآوری و آثار سوء و زیان‌آور اجتماعی خصوصیتی یافته‌اند که می‌توان آنها را از موضوعات مستحدثه به حساب آورد و فروع فقهی بسیاری در باب حدود، تعزیرات، مکاسب محرمه، اطعمه و اشربه برایشان فرض و برای استنباط حکم شرعی‌شان اجتهاد کرد. در این مقاله موضوع‌شناسی مواد مخدر و ادله و مبانی مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها بررسی شده است. مهم‌ترین سؤال این تحقیق موضوع‌شناسی اختلالات روانی ناشی از مصرف روان‌گردان‌ها و احکام فقهی مترتب بر آن از نظر مذاهب فقهی است. فایده و کاربرد موضوع‌شناسی این تحقیق این است که ارائه تعریفی جامع از اختلالات روانی ناشی از مصرف روان‌گردان‌ها و بیان ماهیت آنها بر اساس فقه مذاهب اسلامی باعث می‌شود تعیین حدود مسئولیت فقهی بر اساس درجه اختلال روانی ناشی از مصرف روان‌گردان‌ها برای تعیین مجازات آسان شود. موضوع بیماران روانی و ارتکاب رفتار مجرمانه آنان یکی از مشکلات رسیدگی‌های قضایی است. اغلب دادگاه‌ها رأی خود را با جلب نظر متخصصان روان‌پزشکی صادر می‌کنند. موضوع‌شناسی کاری تخصصی است که بدون فراهم آوردن مقدمات لازم به نتیجه مطلوب و مفید نخواهد رسید و کسانی که وارد این رشته علمی می‌شوند باید آمادگی‌های لازم را کسب کرده باشند تا شناختشان صحیح و در جهت کشف احکام شرع باشد.

**کلیدواژه‌ها:** مواد مخدر، روان‌گردان، استعمال، حرمت، اختلالات روانی.

۱. دانش‌آموخته دانشگاه ادیان و مذاهب واحد قم، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی غرب تهران، واحد شهر قدس، گروه علمی حقوق و معارف اسلامی.

۲. دانشیار جامعه المصطفی العالمیه، گروه علمی قرآن و علوم، quran.olum@chmail.ir

## مقدمه

اختلالات روانی ناشی از مصرف روان‌گردان‌ها از مسائل نوظهور جوامع امروز است. پژوهشی درباره این موضوع شکل نگرفته است، اما مطالب بسیار پراکنده‌ای در بعضی از تألیفات محققان وجود دارد که به طور خاص درباره روان‌گردان نیست و در آنها از عناوین مشابه استفاده شده است. در بسیاری از مقالات و پایان‌نامه‌ها به مسئولیت مجنون و همچنین کسانی که مواد مخدر یا روان‌گردان استفاده کرده، اشاره شده است. موضوع‌شناسی این مواد بررسی نشده و از آنجا که موضوع‌شناسی کاری تخصصی است که بدون فراهم آوردن مقدمات لازم به نتیجه مطلوب نخواهد رسید، کسانی که وارد این رشته علمی می‌شوند باید آمادگی‌های لازم را کسب کرده باشند تا شناختشان صحیح و در جهت کشف احکام شرع باشد. روان‌گردان‌هایی از معضلات جامعه امروز محسوب می‌شوند. این معضل از مسائل مستحدثه است و در فقه اسلامی به طور مبنایی درباره دلایل حرمت شرعی این مواد کمتر بحث شده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۱: ۲۶۹/۷)، با این حال در کلمات و فتاوای علمای متأخر و معاصر و مراجع تقلید موجود عبارتی آمده که به تلویح و تصریح استعمال نابجا از آنها را حرام دانسته و جرم محسوب کرده (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷: ۳، ۴؛ ساکی، ۱۳۸۰: ۳۱۴) و در قوانین موضوعه نیز جرم است.

موضوع بیماران روانی و ارتکاب رفتار مجرمانه از آنان یکی از مشکلات رسیدگی‌های قضایی است. اغلب دادگاه‌ها رأی خود را با جلب نظر متخصصان روان‌پزشکی صادر می‌کنند. بین قضات، پزشکان و فقها در تفسیر پاره‌ای مفاهیم اختلاف نظر وجود دارد و همین امر ضرورت تعامل بین پزشکان، قضات و فقها برای رسیدن به زبان مشترک در پرونده‌های قضایی را اقتضا می‌کند. با نگاهی به تاریخ تحولات کیفری و تشتت آرای فقها، قضات و صاحب‌نظران در شناخت مفهوم جنون و اختلالات ناشی از روان‌گردان‌ها می‌توان دریافت که از گذشته‌های دور رویه‌ای یکسان در برخورد با مقوله جنون و مسئولیت کیفری مجانین وجود نداشته است. گرچه

فقها در کتاب‌های مختلف این مطلب را بررسی کرده‌اند، یک کتاب کامل و جامع فقهی درباره تأثیر جنون بر کیفر و مفهوم جنون نوشته نشده یا در بحث قضایی، فقها و حقوقدانان نتوانسته‌اند مشکل را به طور کامل حل کنند.

### ۱. موضوع‌شناسی و اختلالات روانی ناشی از مصرف روان‌گردان‌ها

مواد مخدر و روان‌گردان‌ها از معضلاتی به شمار می‌روند که همه جوامع را به خود مشغول کرده‌اند. رشته‌های مختلف علمی با توجه به حدود علمی خود این موضوع را بررسی کرده‌اند. یکی از مشکلات مهم جوامع بشری سوء مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها است که به اعتیاد و وابستگی فرد منجر می‌شود. مصرف این مواد و اعتیاد به آن حاصلی جز تباهی و نابودی و هدر دادن عمر و جوانی فرد ندارد و مصرف‌کننده علاوه بر نابودی خود، زندگی خانواده و اطرافیان و جامعه را نیز نابود و تباه می‌سازد. مواد مخدر و روان‌گردان‌ها باعث افزایش انواع آسیب‌های اجتماعی مثل سرقت، خشونت و تجاوز می‌شوند و تمام ارزش‌های انسانی را به ذلت می‌کشانند.

#### ۱-۱. موضوع‌شناسی

منظور از موضوع‌شناسی در مواد مخدر و روان‌گردان‌ها موادی است که موجب سستی، ضعف و کندی و خمودگی می‌شوند. این مواد تریاک، شیر، مرفین، هروئین و هر ماده دیگری که چنین حالتی را در فرد ایجاد کند را شامل می‌شود. منظور از روان‌گردان هر ماده‌ای است که باعث ایجاد شادی، طرب، هیجان و توهم می‌شود و عقل فرد را مختل و از حالت طبیعی خارج کند. این مواد شامل گیاهانی چون شاهدانه هندی، شوکران، انواع قارچ‌های روان‌گردان مثل پیوت و تمام مواد طبیعی که این حالات را ایجاد می‌کند، مواد مصنوعی و آزمایشگاهی مثل ال.اس.دی و اکستازی می‌شود.

## ۲-۱. مخدر و مفتر، مرقد و مسکر

**مخدر:** «مخدر» از ریشه خدر به معنای سستی و کسالت و رخوت در اعضای بدن است (زبیدی حسینی، ۱۴۱۴: ۳۳۱/۶). خدر به معنای سستی است که اعضای بدن، مثل دست و پا، را فرا می‌گیرد. ابن‌عربی معتقد است خدر به معنای سنگینی پاها و امتناع آنها از حرکت است. خدر در چشم نیز به معنای سستی و خماری چشمان است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۳۰/۴). در اصطلاح به آنچه باعث رخوت و سستی جسم شود، مخدر گفته می‌شود و به موادی که موجب سستی اعضای بدن می‌شوند، مواد مخدر می‌گویند.

**مفتر:** از ریشه فتر به معنای ضعف و سستی است (همان: ۴۳/۵). به آنچه باعث ضعف و سستی شود «مفتر» گویند. به نظر می‌رسد که مخدر و مفتر در کلام فقها به یک معنا باشند.

**مرقد:** ریشه این کلمه رقد به معنای خوابیدن است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۲۸/۲). رقاد به معنای خواب راحت و کم (قرشی، ۱۴۱۲: ۱۱۵/۳) و رقاد به معنای خواب ممتد و سنگین در شب از همین ریشه گرفته شده‌اند؛ به همین دلیل به آرامگاه ائمه معصوم مرقد گفته می‌شود. مرقد در اصطلاح به چیزی گفته می‌شود که موجب خواب و خواب‌آلودگی می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۸۳/۳). جواهر الکلام مرقد را این‌گونه تعریف کرده است: «آنچه فقط عقل انسان را تغییر دهد، مرقد است حتی اگر حواس پنج‌گانه از دست برود (نجفی، ۱۴۲۱: ۴۴۹/۴۱).

**مسکر:** از ریشه سکر به معنای مستی و از دست دادن عقل است. غالباً کلمه سکر برای حالتی به کار می‌رود که پس از مصرف نوشیدنی مست‌کننده ایجاد می‌شود (زبیدی حسینی، ۱۴۱۴: ۵۳۳/۶). فخرالدین طریحی مسکر را این‌گونه معنا می‌کند: مسکر، به ضم میم و کسر کاف، آن چیزی است که مست‌کننده باشد و عقل را زائل کند (طریحی، ۱۴۱۶: ۳۳۵/۳). بنابراین مسکر عبارت است از آنچه باعث به وجود آمدن تهور، شادی، طرب و منگی شود و شخص مصرف‌کننده را از حالت طبیعی خارج کند و او را به انجام کارهای غیر ارادی وادارد.

### ۳-۱. روان‌گردان‌ها

در اصطلاح به مواد روان‌گردان «توهم‌زا» گفته می‌شود؛ چراکه باعث غرق شدن انسان در عالم خیال می‌شوند. هر ماده‌ای که باعث تغییر ادراک حسی و توهم در افکار انسان شود، روان‌گردان است. روان‌گردان‌ها باعث شکل‌گیری تجربیات حسی عجیب و غیرعادی در ذهن انسان می‌شوند. توضیح آثار مواد روان‌گردان بسیار دشوار است؛ چون بیشترین تأثیر این مواد در ذهن انسان اتفاق می‌افتد و مصرف این مواد آثار جسمی کمتری دارد (روزنهان، سلیگمن، ۱۳۹۲: ۳۰۰/۲). یکی از گزارش‌های رایج، تغییرات گسترده در ادراکات مختلف حسی از جمله تحریف در بینایی، شنوایی و لامسه انسان است، به صورتی که مصرف‌کننده تصاویر را کج و معوج می‌بیند و آهنگ‌ها را به وضوح می‌شنود. برخی از مصرف‌کنندگان مدعی می‌شوند که قادر به دیدن آهنگ‌ها هستند. احساس زمان نیز در این افراد دستخوش تغییر می‌شود و برخی مدعی می‌شوند که قادرند در زمان حرکت کنند.

تفاوت عمده‌ای که میان انگیزه مصرف مواد مخدر و مصرف روان‌گردان وجود دارد این است که افراد معمولاً مواد مخدر را برای ایجاد حس سستی، رخوت، آرامش و نشئگی مصرف می‌کنند، ولی روان‌گردان‌ها را برای آثار پیچیده آنها بر ذهن دوست دارند (شعبانی صمغ‌آبادی، ۱۳۸۴: ۱۲). بر خلاف تصور عامه که گمان می‌کنند تمام مواد توهم‌زا آزمایشگاهی و مصنوعی هستند و در عصر حاضر به وجود آمده‌اند، اغلب این مواد گیاهی هستند یا از منشأ گیاهی به وجود آمده‌اند و در تمدن‌های باستان برای مصارف پزشکی مورد استفاده قرار می‌گرفتند (ادستان، ۱۳۸۲: ۱۹۹، ۲۰۰).

### ۴-۱. معیار تشخیص جنون ادواری و اختلالات روانی ناشی از مصرف روان‌گردان‌ها

برخی علاوه بر بی‌ثمر دانستن تعیین منشأ و عامل جنون، معتقدند که «تعیین گستره عقل و به تبع آن جنون در فقه ثمره‌ای ندارد. عقل انسان‌ها مراتب و درجات مختلفی دارد، اما این

اختلافات باعث نمی‌شود که تکالیف و احکام شرعی که به عموم مردم تعلق می‌گیرد، متفاوت شود. وجود قوه عاقله در شخص است که دچار اختلال و تباهی شده است» (نراقی، ۱۴۱۷: ۵۲۰). بر این اساس، عموم تعاریفی که فقها برای توضیح مفهوم جنون ارائه کرده‌اند، قدر مشترک فساد عقل را دارند که به صورت مطلق یا با قیودات توسیعی و تضییعی مطرح شده است.

### ۵-۱. مبانی فقهی اختلافات روانی ناشی از استعمال روان‌گردانها

در ابواب فقهی متعددی از مذاهب اسلامی بحث‌هایی درباره مواد مخدر شده و هر یک نظراتی راجع به حرمت، حدود و دیگر مسائل این موضوع داده‌اند. در ادامه به آنها اشاره می‌کنیم.

۱. «هر کس به دیگری بنگ بدهد یا او را با چیزی از طریق خوردن یا نوشیدن مست کند، سپس مال او را بردارد، بنا بر آنچه امام از تعزیر صلاح می‌بیند مجازات می‌شود و مال به صاحبش برگشت داده می‌شود» (المقنعة للشيخ المفيد)؛ ۸ باب الحد فی السرقة و الخيانة و الخلسة و نيش القبور و الخنق و الفساد فی الأرضين؛ ص: ۸۰۲).

۲. «در بیان تعزیر کردن به گناهی که سبب تعزیر فاعل آنها می‌شود؛ بر ۳۵ قسم است [...] بیست و سوم: کسی که بنگ یا داروی بیهوشی به خورد کسی بدهد» (شیخ بهایی، ۱۳۲۵: ۵۳۸).

۳. «شارع بین محرماتی که در نفوس ایجاد اعتیاد می‌کنند و محرماتی که اعتیاد ایجاد نمی‌کنند، مانند خون و میته، فرق قائل شده است. اگر اعتیاد ایجاد نکند، به مجازات شرعی اکتفا کرده و عقوبت را تعزیر قرار داده است و اگر اعتیاد ایجاد کند، همراه با مجازات شرعی، مجازات طبیعی، یعنی حد، قرار داده است؛ حشیش از این قسم است» (ابن تیمیه، ۱۴۱۶: ۲۶۰/۴).

۴. مبتج کسی است که به دیگری چیزی را بنوشاند که عقلش را ببرد. در این حال ضامن جنایتی است که به دست خورنده بنگ ایجاد می‌شود؛ زیرا در عقل، حواس و جسم او

نقصی ایجاد کرده و لازم است که تعزیر شود. اگر چیزی را از حرز به مقدار نصاب به صورت مخفیانه گرفته باشند، بعد از بازگرداندن مال، دستش قطع می‌شود (علی بن حمزه طوسی، ۱۳۷۶: ۴۲۴).

۵. سموم کشنده قلیل و کثیرش حرام است، ولی خوردن قلیل آن اگر کشنده نباشد، اشکال ندارد مانند خوردن افیون و سقمونیا و روغن حنظل و شوکران که با دیگر چیزهای مورد نیاز ترکیب شده باشند، اما مقدار بیشتر، مانند یک مثقال، جایز نیست؛ هر مقدار که احتمال ضرر داشته باشد، جایز نیست (علامه حلی، بی تا: ۱۵۷/۲).

۶. «هر چیز جامدی که برای بدن یا عقل مضر باشد حرام است مانند سنگ، خاک و سم هرچند کم باشد، مگر برای کسی که به او ضرر نرساند و اگر مسکر هم باشد حرام است؛ مثال برای جامد مضر به عقل افیون در مقدار زیاد و جوز و عنبر و زعفران و حشیش در مقدار زیاد (سید البکری، بی تا: ۳۵۵/۲).

۷. «هر مسکری حرام است، جامد باشد یا مایع، مانند حشیش و آنچه از گندم و مانند آن گرفته شده باشد. غیر از مایعات، دیگر مسکرات نجس نیستند (فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۱۵۹/۴).

برخی از فقها، مانند مرحوم آیت الله خوئی، استعمال مواد مخدر را از باب اکل سم و ضرر رساندن به جسم و به مخاطره انداختن سلامت جسمی و روانی، که حرمتش در شرع مسلم است، حرام دانسته‌اند (معاونت آموزش قوه قضاییه، ۱۳۸۷: ۳، ۴). برخی نیز، مانند آیت الله خامنه‌ای، به وسعت ضرر، به ویژه ضرر اجتماعی، مترتب بر مصرف مواد مخدر توجه کرده و حرمت آن را از باب اضرار شخصی و اجتماعی دانسته‌اند (همان).

مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها حرام است؛ زیرا ضرر جانی، مالی و حیثیتی دارد، باعث افزایش انواع آسیب‌های اجتماعی مثل قتل، سرقت و تجاوز می‌شود و برای مصرف‌کننده نیز قبح اجتماعی دارد. آدمی نه تنها در اعمال و رفتار خویش مسئول است، بلکه وظیفه دارد به موقعیت



و جایگاه خود نیز توجه کند و در مواضع اتهام و بدنامی قرار نگیرد تا متهم به تهمت‌های ناروا نشود (حمیدزاده، ۱۳۸۳: ۴۶۷/۱). بر این اساس، برخی از موضوعات که تعیین حکمشان بر عهده فقه است، مرتبط به سرنوشت جامعه است. غفلت از این موضوعات یا بررسی دیرهنگام یا بهنگام ولی غیرشفاف به بروز وضعیت‌های منفی و موقعیت‌های شکننده‌ای برای فرد و جامعه می‌انجامد (سید حسینی، ۱۳۸۳: ۱۵).

## ۲. ادله حرمت استعمال مواد مخدر و روان‌گردان‌ها

بیشتر فقهای شیعه و سنی مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها را حرام می‌دانند. آنان برای حکم به حرمت دلایلی بیان کرده‌اند که در ادامه آنها را بررسی می‌کنیم.

### ۱-۲. قرآن

مواد مخدر و روان‌گردان‌ها جزء مسائل مستحدثه هستند؛ به همین دلیل نص صریحی در قرآن برای حرمت این مواد وجود ندارد، ولی برخی از علما برای حکم به حرمت این مواد به آیاتی از قرآن کریم اشاره کرده‌اند که از ضرر زدن به خود و در معرض هلاکت قرار دادن جان انسان نهی کرده‌اند. ۱. «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ؛ خود را با دست خود به هلاکت نیفکنید» (بقره: ۱۹۵). این آیه از به هلاکت انداختن نفس نهی می‌کند. تهلکه مصدر است به معنای هلاکت یا هر چیزی که عاقبتش هلاکت باشد؛ هلاکت نیز به معنای ضایع و تباه شدن است (قرشی، ۱۴۱۲: ۱۵۹/۷). این آیه به انفاق اشاره دارد و با بیان جمله «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» هشدار مهمی را به انسان‌ها گوشزد می‌کند. جمله «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» هرچند در مورد ترک انفاق برای جهاد اسلامی وارد شده، مفهوم گسترده‌ای دارد که موارد بسیاری را شامل می‌شود از جمله اینکه انسان حق ندارد بدون پیش‌بینی‌های لازم از جاده‌های خطرناک

و ناامن بگذرد یا غذایی که به احتمال قوی آلوده به سم است را بخورد یا در میدان جهاد بدون نقشه و برنامه وارد عمل شود. در تمام این موارد انسان جان خود را بی جهت به خطر انداخته و مسئول است. امروزه به شکل علمی ثابت شده که روان‌گردان‌ها اثرات و زیان‌های مختلف دارند و مصرفشان در حقیقت خوردن سمی خطرناک است که به تدریج وارد بدن می‌شود و به هلاکت و نابودی یا ضرر و زیان شدید می‌انجامد و به خطر انداختن بی جهت جان است؛ از این رو مصرف آنها به طور کلی حرام است و باید از آن اجتناب کرد. به تعبیر علامه طباطبایی، مقصود آیه نهی از ارتکاب هر عملی است که موجب هلاکت و نابودی انسان شود (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۶۴/۱). این آیه از به هلاکت انداختن نفس نهی می‌کند و مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها از موارد به هلاکت انداختن نفس است.

برخی از علما معتقدند این قسمت از آیه جمله‌ای مستقل نیست، بلکه با توجه به کل آیه معنا پیدا می‌کند؛ یعنی آیه «وانفقوا فی سبیل الله ولا تلقوا بایدیکم الی التهلکه و احسنوا ان الله یحب المحسنین (بقره: ۱۹۵)، از اسراف و بخشش بیش از حد نهی می‌کند و لزوم اقتصاد و میانه‌روی را می‌سازد (جعفری، ۱۴۱۹: ۵۹).

اکثر فقها بر این باورند که این جمله از آیه قاعده کلی وجوب حفظ نفس را می‌رساند. در واقع آیه بر وجوب دفع ضرر از جان و مال و خانواده دلالت می‌کند (ابن شهر آشوب، ۱۳۶۹: ۱۸۸/۲)؛ به همین دلیل فقها این آیه را در مواردی که احتمال بروز خطر باشد مثل ترک جهاد هنگامی که تعداد دشمن خیلی زیاد باشد، لزوم تقیه، لزوم تیمم هنگام وجود ضرر و ترس از استعمال آب موقع غسل و وضو، مداوا نکردن با خمر به کار می‌برند. به نظر این گروه از فقها، تفسیر آیه این است که خود را در معرض هلاکت و نابودی قرار ندهید و منظور از هلاکت هر چیزی است که باعث ترس از جان شود و فرقی نمی‌کند که ترس از جان، ترس از تلف

جان باشد یا تلف عضو یا مریض شدن یا گسترش مریضی یا تأخیر در بهبود؛ چراکه آیه همه این موارد را در بر می‌گیرد (گلپایگانی، ۱۴۰۷: ۲۳۷). بر همین اساس، فقها با اشاره به این آیه مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها را نمونه واضح در تهلکه افتادن می‌دانند و با توجه به نهی وارد شده در آیه، حکم به حرمت آن می‌دهند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷: ۱۷۱/۳).

۲. «یا ایها الذین آمنوا لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجارة عن تراض منکم ولا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً؛ ای اهل ایمان، مال یکدیگر را به ناحق نخورید مگر آنکه تجارتی از روی رضا و رغبت کنید و سودی ببرید؛ و یکدیگر را نکشید که البته خدا بسیار به شما مهربان است» (نساء: ۲۹). بر اساس این آیه، هرگونه تجاوز، تقلب، غش، معامله ربوی، معاملاتی که حد و حدودشان کاملاً نامشخص باشد، خرید و فروش اجناسی که فایده منطقی و عقلانی در آن نباشد و خرید و فروش وسایل فساد و گناه تحت این قانون کلی قرار دارند و اگر در روایات متعددی کلمه باطل به قمار، ربا و مانند آن تفسیر شده، در حقیقت معرفی مصداق‌های روشن این کلمه است، نه انحصار در آنها (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۴۱/۵).

نتیجه استعمال مکرر مواد مخدر این است که از آن حرارتی در نفس ایجاد می‌شود که به بیماری سخت و نابودکننده‌ای می‌انجامد؛ بنابراین مشمول قول خداوند سبحان می‌شود که فرموده است یکدیگر را نکشید.

طبق این دو آیه، نگهداری و سلامت نفس واجب است و نباید نفس را در مهلکه یا خطرهایی قرار داد که منجر به قتل نفس شوند، مگر اینکه مصلحت مهم‌تری وجود داشته باشد. در اصل این آیه حرمت خودکشی را می‌رساند. برخی بر این باورند که معنای آیه همان ظاهر آیه است؛ چراکه خداوند به بنی اسرائیل فرمان داده بود خود را بکشید تا این خودکشی راهی برای توبه باشد. این نوع کشته شدن به دلیل رحمت الهی از امت حضرت

محمد (ص) برداشته شد؛ به همین دلیل در پایان آیه جمله «إن الله کان بکم رحیماً» آمده است (فاضل مقداد، ۱۴۲۵: ۳۵/۲). طبق روایتی، پیامبر گرامی اسلام (ص) این آیه را در مورد غسل و وضوی شخصی که از شدت سرما از استعمال آب هراس داشت تلاوت فرمودند؛ بنابراین به نظر می‌رسد از آیه مفهومی گسترده‌تر از ظاهر آن به دست آید (نجفی، ۱۴۲۱: ۶۲۰/۴۱).

منظور از قتل در آیه این است که شخصی دیگری را بکشد و چون این کار موجب قصاص می‌شود، فرد در واقع خود را کشته است.

معنای حقیقی و ظاهری آیه خودکشی است که گاهی افراد به دلیل ناامیدی از ادامه حیات و ناامیدی از درگاه پروردگار اقدام به چنین کاری می‌کنند.

الف) منظور آیه کشتن دیگری است، ولی مضاف در جمله حذف شده است. در واقع آیه چنین است: «ولا تقتلوا انفس غیرکم»؛

ب) مراد از آیه این است که با ارتکاب گناه و معصیت خود را به هلاکت نیندازید و نفس خویش را با مخالفت با اوامر و نواهی خداوند مستحق عقاب نگردانید، زیرا هرگونه کم توجهی به اوامر و نواهی خداوند موجب هلاکت و تباه شخص می‌شود و با دست خویش خود را به هلاکت رسانده است. (جرجانی، ۱۴۰۴: ۱۳۵/۲).

برخی از علما معتقدند که این آیه قاعده‌ای جامع و مشترک را می‌رساند؛ یعنی عدم اضرار به خود و دیگر افراد جامعه. البته اضرار تمام مصادیق اضرار، از مالی گرفته تا جانی، و تمام مراتب آن را شامل می‌شود. بنابراین کلمه اضرار در مورد مال از کوچک‌ترین ضرر مالی تا تمام اموال شخص و در مورد جان از کمترین مقدار جنایت تا قتل نفس را شامل می‌شود. به طور کلی جمله «لا تقتلوا انفسکم» شامل نابودی انسان از همه نظر، از جمله اخلاقی، حقوقی، اقتصادی، فردی، اجتماعی و سیاسی می‌شود (جعفری، ۱۴۱۹: ۶۲).

در مورد استناد به این آیه برای حرمت استعمال روان‌گردان‌ها می‌توان گفت استعمال این مواد موجب ضرر به جان و مال و عرض و آبروی شخص مصرف‌کننده و نابودی وی می‌شود و طبق نص صریح این آیه از ضرر رساندن به جان و آبرو، خواه کم باشد و خواه زیاد، نهی شده است؛ بنابراین طبق این آیه، خداوند از مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها نهی کرده است.

۳. «يسالونك عن الخمر و المسير قل فيهما اثم كبير و منافع للناس و اثمهما اكبر من نفعهما؛ درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو در آنها گناه و زیان بزرگی است و منافی مادی برای مردم دارد، ولی گناه آنها از نفعشان بیشتر است» (بقره: ۲۱۹). این آیه از آیاتی است که خداوند در روند تحریم تدریجی شراب نازل کرده است. خداوند علت حرمت شراب و قمار را این‌گونه بیان می‌کند: «گناه آن بیشتر از سود آن است». کلمه اثم و مشتقات آن ۴۸ بار در معانی مختلف در قرآن مجید به کار رفته‌اند. اثم به معنای گناه و آنچه حلال نیست (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲/۵)، قمار و از بین بردن مال انسان (زبیدی حسینی، ۱۴۱۴: ۵/۱۶) و خمر (طریحی، ۱۴۱۶: ۵/۶) به کار رفته است. نفع نیز چنین معنا شده است: «چیزی که برای رسیدن به خیر از آن بهره گرفته می‌شود؛ نفع خیر و ضد ضرر است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۹). با توجه به معانی نفع و اثم و از آنجا که همیشه نفع جلوگیری از ضرر است و از مقابله اثم با منافع و اثمها با نفعها به این نتیجه می‌رسیم که معنای اثم در این آیه ضرر است. طبق این آیه، علت حرمت خمر و میسر (قمار) این است که ضررشان بیشتر از نفعشان است (قرشی، ۱۴۱۲: ۲۴/۱). فقها معتقدند این آیه تحریم‌کننده هر عملی است که در آن مفسده بر مصلحت پیشی گیرد و غلبه کند (فاضل مقداد، ۱۴۲۵: ۳۰۷/۲).

از نظر علم پزشکی مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها هیچ سودی برای فرد ندارد و مصرف مواد مخدر، مثل تریاک، دردنیای پزشکی نیز فقط برای تسکین و ضد درد است (روزنهان، سلیگمن،

۱۳۹۲: ۲/۲۴۰-۲۴۲). حتی اگر بپذیریم که این مواد فواید اندکی دارند، با توجه به ضررهای فراوانی که از نظر فردی، خانوادگی و اجتماعی بر جسم و روح و روان فرد و جامعه وارد می‌کنند، این فواید به چشم نمی‌آیند و طبق این آیه، آنچه ضررش بیشتر از منفعتش باشد، منع شده است؛ بنابراین حرمت این مواد بر حرمت خمر اولویت دارد.

## ۲-۲. روایات

فلسفه احکام و قوانین اسلامی تکامل مادی و معنوی جامعه انسانی است. از نگاه اسلام، بزرگ‌ترین نعمت الهی سلامت جسم و بزرگ‌تر از آن سلامت جان است. خطرناک‌ترین بلا، بیماری جسم و خطرناک‌تر از آن بیماری جان است. مسئله روان‌گردان‌ها جزو مسائل مستحدثه و جدید است؛ از این رو روایاتی با سند صحیح در مورد حرمت این مواد در دست نیست. البته روایات خاص در مورد حرمت برخی از این مواد مثل بنگ وارد شده است، اما به دلیل مرسله بودن قابل استناد نیستند.

## روایات نهی عام

از امام صادق (ع) روایت است خوردن سبزی‌ها و گیاهانی که خوردنشان برای انسان ضرر دارد، مانند گیاهان سمی کشنده و خرزهره و مشابه آن از صنف سموم کشنده، حرام است:

الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ شُعْبَةَ فِي كِتَابِ تَحْفِ الْعُقُولِ عَنِ الصَّادِقِ (ع) فِي حَدِيثٍ قَالَ: «وَأَمَّا مَا يَجَلُّ لِلْإِنْسَانِ أَكْلُهُمْمَا أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ فَثَلَاثَةٌ صُنُوفٍ مِنَ الْأَغْذِيَةِ، صُنْفٌ مِنْهَا جَمِيعُ الْحَبِّ كُلِّهِ مِنَ الْجَنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالْأَرْزِ وَالْجَمَّصِ وَغَيْرِ ذَلِكَ مِنْ صُنُوفِ الْحَبِّ وَ صُنُوفِ السَّمَائِسِمِ وَغَيْرِهِمَا؛ كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْحَبِّ مِمَّا يَكُونُ فِيهِ غِذَاءُ الْإِنْسَانِ فِي بَدَنِهِ وَ

قُوْتُهُ فَحَلَالٌ أَكَلُهُ وَ كُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ فِيهِ الْمَضْرُةُ عَلَى الْإِنْسَانِ فِي بَدَنِهِ فَحَرَامٌ أَكَلُهُ إِلَّا فِي حَالِ الصَّرْوَرَةِ؛ وَ الصَّنْفُ الثَّانِي مَا أَخْرَجَتْ الْأَرْضُ مِنْ جَمِيعِ صُنُوفِ الثَّمَارِ كُلِّهَا مِمَّا يَكُونُ فِيهِ غِذَاءٌ الْإِنْسَانِ وَ مَنْفَعَةٌ لَهُ وَ قُوَّةٌ بِهِ فَحَلَالٌ أَكَلُهُ وَ مَا كَانَ فِيهِ الْمَضْرُةُ عَلَى الْإِنْسَانِ فِي أَكَلِهِ فَحَرَامٌ أَكَلُهُ؛ وَ الصَّنْفُ الثَّلَاثُ جَمِيعُ صُنُوفِ الْبُقُولِ وَ النَّبَاتِ وَ كُلُّ شَيْءٍ تَنْبُتُ مِنْ الْبُقُولِ كُلِّهَا مِمَّا فِيهِ مَنَافِعُ الْإِنْسَانِ وَ غِذَاءٌ لَهُ فَحَلَالٌ أَكَلُهُ وَ مَا كَانَ مِنْ صُنُوفِ الْبُقُولِ مِمَّا فِيهِ الْمَضْرُةُ عَلَى الْإِنْسَانِ فِي أَكَلِهِ نَظِيرِ بُقُولِ السُّمُومِ الْقَاتِلَةِ وَ نَظِيرِ الدِّفْلَى وَ غَيْرِ ذَلِكَ مِنْ صُنُوفِ السَّمِّ الْقَاتِلِ فَحَرَامٌ أَكَلُهُ» (حر عاملی، ۱۳۹۱: ۸۴/۲۵).

در حدیثی دیگر، امام رضا(ع) درباره حکمت مقررات الهی که بر انسان حلال یا حرام شده است می‌فرمایند که در آنچه خداوند تبارک و تعالی حلال کرده صلاح و بقای بندگان است و بدان نیازی گریزناپذیر دارند و از همه آنچه حرام شده بی‌نیاز هستند؛ زیرا محرمات موجب تباهی و زمین‌نابودی‌اند:

وَ فِي الْعِلَلِ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنِ الرِّضَا (ع) قَالَ: «إِنَّا وَجَدْنَا كُلَّ مَا أَحَلَّ اللَّهُ فِيهِ صَلَاحُ الْعِبَادِ وَ بَقَاؤُهُمْ وَ لَهُمْ إِلَيْهِ الْحَاجَةُ وَ وَجَدْنَا الْمُحَرَّمَ مِنَ الْأَشْيَاءِ لَا حَاجَةَ بِالْعِبَادِ إِلَيْهِ وَ وَجَدْنَا مُفْسِدًا ثُمَّ رَأَيْنَاهُ تَعَالَى قَدْ أَحَلَّ مَا حَرَّمَ فِي وَفْتِ الْحَاجَةِ إِلَيْهِ لِمَا فِيهِ مِنَ الصَّلَاحِ فِي ذَلِكَ الْوَفْتِ نَظِيرَ مَا أَحَلَّ مِنَ الْمَيْتَةِ وَ الدَّمِ وَ لَحْمِ الْخِنْزِيرِ إِذَا اضْطُرَّ إِلَيْهَا الْمُضْطَرُّ لِمَا فِي ذَلِكَ الْوَفْتِ مِنَ الصَّلَاحِ وَ الْعِصْمَةِ وَ دَفْعِ الْمَوْتِ» (حر عاملی، ۱۳۹۱: ۵۱/۲۵).

امام در این سخن تصریح می‌فرمایند که آنچه خداوند متعال در زمین‌های مختلف مانند خوردن، آشامیدن و ازدواج حلال شمرده، اموری‌اند که مردم برای تأمین سلامت، رفاه و آسایش خود به آنها نیاز دارند و مصالح زندگی و بقایشان وابسته به آنها است و برعکس، آنچه تحریم شده اموری‌اند که نه تنها مورد نیاز مردم نیستند، بلکه به زیان سلامت و آسایش و موجب هلاکت آنان هستند.

## روایات نهی خاص

### الف) روایات منابع شیعه

برخی از روایات منابع شیعی به طور قطع بر موضوع بحث دلالت دارند؛ در ادامه دو نمونه مطرح می‌شود:

۱. عَنْهُ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ كَلِيبِ الْأَسَدِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ النَّبِيذِ فَقَالَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) خَطَبَ النَّاسَ فَقَالَ فِي خُطْبَتِهِ: «أَيُّهَا النَّاسُ الْإِرَائِ كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ إِلَّا وَمَا أُسْكِرُ كَثِيرُهُ فَقَلِيلُهُ حَرَامٌ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۰۸/۶).

پیامبر خدا (ص) فرمود: «هر مسکروهر مخدوری حرام است و آنچه مقدار زیادش مستی آور باشد، مقدار کمش نیز حرام است و آنچه عقل را خمار و گیج کند حرام است.»

۲. قَالَ (ص): «مَنْ أَكَلَ الْبُنْجَ فَكَانَتْ هَدَمَ الْكُعْبَةِ سَبْعِينَ مَرَّةً وَكَانَتْ قَتْلَ سَبْعِينَ مَلَكًا مُقَرَّبًا وَكَانَتْ قَتْلَ سَبْعِينَ نَبِيًّا مُرْسَلًا وَكَانَتْ أَحْرَقَ سَبْعِينَ مُصْحَفًا وَكَانَتْ رَمَى إِلَى اللَّهِ سَبْعِينَ حَجْرًا وَهُوَ أَبْعَدُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ مِنْ شَارِبِ الْخَمْرِ وَآكِلِ الرِّبَا وَالزَّانِي وَالنَّمَامِ» (نوری ۱۴۰۸: ۲۸۹/۱۷).

رسول خدا (ص) فرمود: «کسی که بنگ را می‌خورد مثل این است که هفتاد مرتبه کعبه را خراب کرده و هفتاد فرشته مقرب و هفتاد پیامبر مرسل را کشته و هفتاد کتاب آسمانی را به آتش کشیده و هفتاد سنگ به سوی خدا پرتاب کرده است؛ او حتی از شراب‌خوار و رباخوار و زناکار و سخن‌چین از رحمت خدا دورتر است.»

به دلیل ضعف سند نمی‌توان بر اساس این احادیث حکم فقهی صادر کرد؛ هرچند به یقین بر موضوع مورد بحث ما دلالت می‌کنند.

روایات دیگری وجود دارند که با سند صحیح نقل شده‌اند. این روایات بر حرمت مواد مخدر صراحت ندارند، ولی از آنجا که حکمی کلی را بیان می‌کنند، قابل استناد هستند.



۱. امام موسی کاظم (ع) فرموده‌اند: «خداوند تبارک و تعالی خمر را به خاطر نام آن حرام نکرد، بلکه آن را به دلیل نتیجه‌اش حرام کرد؛ پس هر آنچه عملش مانند عمل خمر باشد، خمر است» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۷/۱).
۲. امام رضا (ع) فرمودند: «خداوند عزوجل خمر را به خاطر نام آن حرام نکرد، بلکه آن را به دلیل نتیجه‌اش حرام کرد و هر آنچه نتیجه‌اش مثل نتیجه خمر باشد، خمر است» (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۱۲/۹).
۳. امام جعفر صادق (ع) فرمودند: «کسی که شرابخواری را برای غیر خدا رها کند، خداوند او را از شراب ناب و مهرشده بنوشاند». راوی عرض کرد: «یا بن رسول الله، کسی که شراب را برای غیر خدا ترک کند؟». حضرت فرمودند: «آری به خدا قسم، برای حفظ سلامتی خویش» (ری شهری، ۱۴۳۳: ج ۴، ح ۵۱۵۸).
۴. امام جعفر صادق (ع) فرمودند: «آنان که در دنیا از مسکرات سیراب شوند، تشنه‌کام می‌میرند و تشنه‌کام محشور می‌شوند و تشنه‌کام به دوزخ می‌روند» (همان، ح ۵۱۵۳).
۵. امام جعفر صادق (ع) در پاسخ به سؤال مفضل از علت تحریم خمر فرمودند: «خداوند شراب را به علت تأثیر بد و فسادی که به وجود می‌آورد حرام کرد؛ زیرا می‌گسار دچار رعشه اندام می‌شود، نورانیت دلش از بین می‌رود، مردانگی و مروت را از دست می‌دهد، در ارتکاب کارهای حرام و خونریزی و زنا گستاخ و بی‌پروا می‌شود و بعید نیست که در حال مستی و نابخردی به محارم خود تجاوز کند. شراب بر شراب‌خوار جز شر و بدی نمی‌افزاید» (صدوق، ۱۳۶۸: ۱۲۷/۴).
۶. امام صادق (ع) فرمودند: «خداوند عزوجل قفل‌هایی بر در بدی و پلیدی زده و شراب را کلید آنها قرار داده است؛ بدتر از شراب دروغ است» (ری شهری، ۱۴۳۳: ج ۴، ح ۵۱۳۶).

۷. امام صادق (ع) فرمودند: «شراب خواری کلید هر بدی است و شراب خوار کتاب خدای عزوجل را دروغ می‌شمارد؛ زیرا اگر آن را باور داشت حرام آن را حرام می‌دانست» (همان، ح ۵۱۳۴).

۸. امام جعفر صادق (ع) فرمودند: «خداوند هرگز پیامبری را برزینگیخت مگر آنکه می‌دانست که وقتی دین او را کامل کند، تحریم شراب خواری نیز در آن است. شراب همیشه حرام بوده است. دین از خصلتی به خصلتی دیگر تحول می‌یابد و اگر از ابتدا حرام بود، مردم دین را نمی‌پذیرفتند» (همان، ح ۵۱۲۹؛ حر عاملی، ۱۳۹۱: ۲۳۷/۱۷، ح ۱).

### ب) روایات منابع اهل سنت

۱. از ابونعیمه از حکم بن عینیه از انس بن حدیقه نقل شده که برای رسول خدا (ص) نوشتم مردم بعد از شراب انگور به سراغ نوشیدنی‌های دیگری رفتند که مثل شراب انگور باعث مستی آنها می‌شود و از خرما و کشمش درست شده‌اند. این نوشیدنی‌ها درون الدباء (کدوی تو خالی)، النقییر (ظرف چوبی)، مزقت (خمیره) و حنتم (سبوی ارزن) که به سبوی سبز معروف است، درست می‌شوند. رسول خدا (ص) فرمودند: «هر نوشیدنی مست‌کننده‌ای حرام است. مزقت، نقیر، حنتم (مایع مست‌کننده‌ای که در این ظروف ریخته می‌شود) حرام است؛ پس از مشک بنوشید و دهانه آن را محکم ببندید». اما مردم درون مشک مایع مست‌کننده می‌ریختند و می‌نوشیدند. این خبر به پیامبر اکرم (ص) رسید. آن حضرت در مقابل مردم ایستادند و فرمودند: «این کار را جز اهل جهنم انجام نمی‌دهند؛ بدانید هر مسکر، مفتر و مخدری حرام است و هر آنچه زیادش مست‌کننده باشد، اندکش نیز حرام است» (عظیم‌آبادی، ۱۴۱۵).

۲. در روایت ابن‌نعیم از انس بن‌حذیقہ از رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نقل شده است: «آگاه باشید که هر مست‌کننده و هر مخدری حرام است و آنچه زیادش مست‌کننده باشد، اندکش نیز حرام است و هر آنچه عقل را می‌پوشاند حرام است» (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲).

به عقیده اهل سنت، رسول خدا(ص) به صورت کلی هر مسکر، مخدر و مفتری را حرام دانسته‌اند. در واقع با توجه به این احادیث، همه مواد مسکر و مخدر زمان پیامبر و هر آنچه بعد از ایشان پیدا شود، حرام است.

### ۲-۳. حکم عقل

اسلام عقل را گوهری می‌داند که همه رفتارهای فردی و اجتماعی انسان را به تعادل، جذابیت و خداگونگی سوق می‌دهد؛ به همین دلیل برای آن ارزش فراوانی قائل است. مکتب تشیع بر آن است که در رجوع به دین و در کشف احکام دینی نیازمند عقل هستیم و احکام دینی، مستقیم یا غیرمستقیم، مبتنی بر عقل هستند. در اسلام عقل یکی از منابع احکام دین است و میان عقل و دین تعارضی وجود ندارد؛ چنانکه آمده است: «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع و کل ما حکم به الشرع حکم به العقل؛ هر آنچه عقل به آن حکم کند، شرع هم به آن حکم می‌کند و هر آنچه شرع به آن حکم کند، عقل هم به آن حکم می‌کند».

بنابراین وجود عقل در انسان یکی از شرایط عمومی تکلیف و وجه تمایز انسان از حیوانات و دیگر موجودات است. سیره و بنای عقلا در طول تاریخ بر اجتناب و پرهیز از مواد مخدر بوده است.

امروزه نیز یکی از معضلات و نگرانی‌های مهم جهان معضل روان‌گردان‌ها است که به دلیل پیامدهای جهانی، روانی، مالی، شخصی، خانوادگی، قانونی و اجتماعی مصرف این مواد توجه اقشار مختلف مردم، مسئولان و سازمان‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده است. برای مبارزه با این پدیده شوم اقدامات گسترده‌ای آغاز شده و در این میان سازمان‌های دولتی و غیردولتی متعددی جهت مبارزه با این معضل سازماندهی شده‌اند و گام‌هایی برداشته‌اند. نشریات، صدا و سیما، بزرگان دینی و بزرگان علمی از آثار زیان‌بار این مواد سخن گفته‌اند، ولی متأسفانه این معضل همچنان جامعه بشری را تهدید می‌کند. معتادان در تمام جوامع و نظام اسلامی منفورترین اشخاص هستند و حتی زنان، فرزندان و پدران و مادرانشان از وجود آنان رنج می‌برند.

اهمیت قضیه به حدی جدی و مهم است که همه دستگاه‌های اجرایی با تمام ظرفیت‌هایشان به نفع سلامت جامعه با بسیج تمام ارگان‌های مربوط جهت پیشگیری و مبارزه با این پدیده شوم کمر همت بسته‌اند و در سراسر جهان نیز، علی‌رغم نداشتن اعتقادات مذهبی مشترک، در این باره اجماع وجود دارد.

سیره عقلاً عملی یکی از منابع مهم فهم احکام است. با وجود این، چنانکه باید به این بحث توجه نمی‌شود و درباره آن به اجمال بحث می‌کنند. سیره عقلاً در آثار اصولی اهل سنت از دیرباز مطرح بوده است.

اصطلاح «سیره عقلاً» در نزد دانشوران علم اصول فقه شیعه با عناوینی مانند «عرف عقلاً»، «بنای عقلاً» و «روش عقلاً» معروف شده و به کار رفته است. سیره در اصطلاح به «استمرار عادات مردم و تبانی عملی‌شان بر انجام کاری یا ترک عملی» اطلاق می‌شود. در اصطلاح اصولی دو سیره داریم:

• سیره عقلا؛

• سیره متشرعه.

مراد از مردم (ناس) اگر جمیع عقلا و عرف عام از هر ملت و گروه، شامل مسلمان و غیرمسلمان، باشد سیره عقلائیه یا بنای عقلا نام دارد و اگر منظور جمیع مسلمانان یا پیروان مذهب یا نحله خاصی از مسلمانان باشد، سیره متشرعه یا سیره شرعیه خوانده می‌شود. عادات یا سیره عقلا به معنای روش و شیوه مستمر عملی همه عقلای عالم بر انجام دادن یا ترک عملی است. عقلای عالم و صاحبان عقل و اندیشه با اینکه در زمان‌ها و مکان‌های مختلف زندگی می‌کنند و دارای دین، مذهب و فرهنگ متفاوت‌اند، در مواردی بدون توافق قبلی، عملی یکسان را به طور مستمر انجام می‌دهند. همه آنان ظواهر کلام را حجت می‌دانند و به آن تمسک می‌کنند یا در چیزهایی که علم و تخصص ندارند، به خیره رجوع می‌کنند، چنانکه مریض به طبیب و جاهل به عالم رجوع می‌کند (حکیم، ۱۴۳۱: ۱۹۱). سیره و بنای عقلا در طول تاریخ بر اجتناب و پرهیز از مواد مخدر و روان‌گردان‌ها و هر آنچه عقل را ضایع کند بوده است؛ چراکه یکی از معضلات و نگرانی‌های عمده جامعه و خانواده است.

## نتیجه

امروزه شیوع روان‌گردان‌ها و مُسکرات یکی از مفاسد و معضلات جامعه است که شرعاً و عقلاً و با هر نظری که نگریسته شود، ضررهای بی‌شمار دارد. علاوه بر خمر، تمام انواع مسکرات در موجب حد بودن مساوی‌اند، اما گاهی ممکن است به علت شبیهه، حد ساقط و تعزیر در نظر گرفته شود.

امروزه آشنایی علمی با موادی به اسم الکل و مسکرات و مواد مخدر و روان‌گردان‌ها و زیان‌های ناشی از آنها برای افراد، به خصوص جوانان، ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا این مواد در اغلب کشورهای جهان در میان افراد به شکل‌های مختلف وجود و کاربرد دارد.

مصرف مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در نیم قرن اخیر به علت تنوع، گستردگی، اعتیاد و آثار سوء و زیان‌آور اجتماعی خصوصیتی یافته که می‌توان آن را یکی از موضوعات مستحدثه به حساب آورد و فروع فقهی بسیاری در باب حدود، تعزیرات، مکاسب محرمه، اطعمه و اشربه برای آن فرض و برای استنباط حکم شرعی آنها اجتهاد کرد.

موضوع‌شناسی روان‌گردان‌ها و بررسی ادله و مبانی مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان‌ها در این تحقیق بررسی شد و به این نتیجه رسیدیم که موضوع بیماران روانی و ارتکاب رفتار مجرمانه از آنان یکی از مشکلات رسیدگی‌های قضایی است. اغلب دادگاه‌ها رأی خود را با جلب نظر متخصصان روان‌پزشکی صادر می‌کنند. بین قضات، پزشکان و فقها در تفسیر برخی مفاهیم اختلاف نظر وجود دارد و همین امر ضرورت تعامل بین پزشکان، قضات و فقها برای رسیدن به زبان مشترک در پرونده‌های قضایی را اقتضا می‌کند. با نگاهی به تاریخ تحولات کیفری و تشتت آرای فقها، قضات و صاحب‌نظران در شناخت مفهوم جنون و اختلالات ناشی از روان‌گردان‌ها می‌توان دریافت که از گذشته‌های دور،

رویه‌ای یکسان در برخورد با مقوله جنون و مسئولیت کیفری مجانین وجود نداشته است. فقها در کتاب‌های مختلف این مطلب را بررسی کرده‌اند، ولی کتاب جامع و کامل فقهی در حوزه تأثیر جنون بر کیفر و مفهوم جنون نوشته نشده و در بحث قضایی، فقها و حقوقدانان نتوانسته‌اند مشکل را به طور کامل حل کنند. با توجه به شفاف و صریح نبودن قوانین شکلی و ماهوی درباره اختلالات روانی ناشی از استعمال روان‌گردان‌ها، جهت ناظر بودن قوانین بر منابع اسلامی، لازم است فقها به تعریف جامع و مانع از جنون و اینگونه اختلالات همت گمارند و تفسیری جامع از اصل عدم مسئولیت بزهکاران مختل المشاعر و مجانین ارائه کنند تا این ابهام در تفسیر واژه جنون زدوده شود و در آثار کیفری در تمام مراحل راه اجرای عدالت هموارتر شود.

## کتاب نامه

- قرآن کریم.
- ابن تیمیه، تقی الدین ابوالعباس (۱۴۱۶ق)، مجموع الفتاوی، عبدالرحمن بن محمد، مدینه: مجمع الملک.
- ابن شهر آشوب، رشیدالدین محمد مازندرانی (۱۳۶۹ق)، متشابه القرآن و مختلفه، قم: دار البیدار للنشر، چاپ اول.
- ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴ق)، معجم مقائیس اللغة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابن منظور، ابوالفضل (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
- ادستان، پری رخ (۱۳۸۲ش)، روانشناسی جنایی، تهران: سمت.
- امامی، سید حسن (۱۳۷۷)، حقوق مدنی، تهران: انتشارات اسلامیة.
- جرجانی، سید امیر ابوالفتح حسینی (۱۴۰۴ق)، تفسیر شاهی، تهران: انتشارات نوید، چاپ اول.
- جعفری، محمد تقی (۱۴۱۹ق)، رسائل فقهی، تهران: مؤسسه منشورات کرامت، چاپ اول.
- جوهری، اسماعیل (۱۴۱۰ق)، الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت: دار العلم للملایین، چاپ اول.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۱ق)، وسائل الشیعه، چاپ چهارم، بیروت، احیاء التراث العربی.
- حکیم، سید محمد تقی (۱۴۳۱ق)، الاصول العامه للفقہ المقارن: مدخل إلى دراسة الفقه المقارن، تقدیم و مراجعه السید منذر الحکیم، قم: دار الفقه للطباعة و النشر.
- حمیدزاده، اکبر (۱۳۸۳)، قطره ای از دریا، گذری و نظری بر حکمت های نهج البلاغه، تهران: پیام نوین.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، لبنان - سوریه: دار العلم، چاپ اول.
- روزنهان، دیوید، ال.، سلیگمن، مارتین ای. پی. (۱۳۹۲ش)، روانشناسی نابهنجاری، آسیب شناسی روانی، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: نشر ارسباران، چاپ چهارم.



- زبیدی حسینی، محب‌الدین (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول.
- ساکی، محمدرضا (۱۳۸۰)، جرایم مواد مخدر از دیدگاه داخلی و حقوق بین‌المللی، تهران: خط سوم.
- سید البکری، ابن‌السید محمد الشطا الدمباطی (بی‌تا)، حاشیه اعانة الطالبین علی حل الفاظ فتح المعین، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- سیدحسینی، سیدصادق (۱۳۸۳)، مدارای بین مذاهب، قم: مؤسسه بوستان کتاب، چاپ اول.
- شعبانی صمغ‌آبادی، شهربانو (۱۳۸۴ش)، من اکس می‌زنم پس هستم (نگاهی به مصرف داروهای روان‌گردان و آثار مخرب آنها)، تهران: نگار نو.
- شیخ بهایی، بهاء‌الدین محمد عاملی (۱۳۲۵ق)، جامع عباسی، ۱۳۱۲، بی‌تا، بی‌جا
- صدوق، ابی‌جعفر محمد بن علی (۱۳۶۸ق)، علل الشرایع، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۹)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: انتشارات جامه مدرسین، چاپ دوم.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم.
- طوسی، علی بن حمزه (۱۳۷۶ق)، الوسيلة الی نیل الفضیله (من الجوامع الفقهیه)، تهران: انتشارات جهان.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران: المکتبه المرتضویه.
- عظیم‌آبادی، محمد شمس‌الحق (۱۴۱۵ق)، عون‌المعبود شرح سنن ابی داوود، بیروت: دار الکتاب العلمیه، چاپ دوم.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (بی‌تا)، قواعد الاحکام، تهران: مکتبه مصطفوی.
- فاضل مقداد، بن عبدالله سیوری (۱۴۲۵ق)، کنز‌العرفان فی فقه القرآن، قم: انتشارات مرتضوی، چاپ اول.
- فخر‌المحققین، ابی‌طالب محمد بن حسن بن یوسف حلی، ۱۳۸۷ هجری قمری، ایران، قم، ایضاح‌الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، قم: مطبعة العلمیه، چاپ اول.

- قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ‌های سوم و ششم.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۰۷ق)، کتاب الطهاره، قم: دار القرآن الکریم، چاپ اول.
- معاونت آموزش قوه قضاییه (۱۳۸۷)، بررسی توصیفی جرایم مواد مخدر معاونت آموزش قوه قضاییه، تهران: انتشارات جاودانه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، چاپ ۴۵.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق)، استفتائات جدید، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ دوم.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۱)، صحیفه نور، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- ری شهری، محمد (۱۴۳۳ق)، میزان الحکمه، تهیه پژوهشکده علوم و معارف حدیث، قم: مؤسسه دارالحدیث العلمیه والثقافیه.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۲۱ق)، جواهر الکلام (فی ثوبه الجدید)، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، چاپ اول.
- نراقی، مولا احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ق)، عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود، فقه اهل بیت (ع)، سال نهم، شماره ۳۵، پاییز ۱۳۸۴.